**استکبار جهانی چیست؟**

پدید آورنده : ، صفحه 16

|  |
| --- |
| **مفهوم استکبار جهانی چیست و چرا با آن مبارزه می کنیم؟**  پاسخ به این سؤال، نیازمند شناخت اموری نظیر مفهوم استکبار، اهداف و ویژگی های آن و دلایل عقلی و شرعی است؛ از این رو، به اختصار نکاتی را بیان می کنیم.  **مفهوم استکبار**  «استکبار آن است که انسان اظهار بزرگی کند و آن چه را که از آن او نیست و برای او روا نیست، ابراز دارد...». قرآن مستکبران را در مقابل ضعیفان قرار داده است؛ به جهت آگاهی دادن به این نکته که استکبار آنان، به علّت قوه و نیروی بدنی و مالی آنها بوده است و در جای دیگر، مستکبران را در مقابل مستضعفان قرار داده است».1  بنابر تعریف فوق، استکبار، وصفی درونی است که لوازم و مظاهر مختلفی را می تواند در جامعه داشته باشد. خود بزرگ بینی و نشناختن حد خود در مقابل خداوند و مردم - و به استضعاف کشیدن آنها- از اوصاف درونی هستند که شخص مستکبر به واسطه آنها موضع گیری های خویش را تنظیم می کند؛ همان گونه که در قرآن، درباره نافرمانی ابلیس چنین آمده است: «ابی و استکبر و کان من الکافرین».2  در اصطلاح علوم اسلامی، استکبار همواره با واژه هایی نظیر «ظلم» و «طاغوت» همراه است.  استکبار از دیدگاه فرهنگ سیاسی اسلام، وجود نوعی سلطه گری، سلطه جویی، استعمار و بهره کشی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی توسط اقلیت محدودی زورگو و نفع طلب بر خیل عظیم توده های محروم می باشد. این عمل، می تواند داخلی باشد؛ به همان طریق که یک عده دیکتاتور و زورگو بر ملت های محروم تحت سلطه خود حاکمیت داشته، آنها را تحت فشار و ظلم قرار دهند و همچین می تواند بین المللی باشد؛ بدین معنی که دولت و یا کشوری، سایر ملت ها را استثمار و به استضعاف بکشاند که نمونه بارز آن اعمال سیاست های استعمارگونه و امپریالیستی قدرت های بزرگ شرق و غرب در جهان می باشد.3 امروزه در فرهنگ سیاسی دنیا، واژگانی نظیر «استعمار» و «امپریالیسم» نیز در رساندن مفهوم فوق به کار می روند.  **ویژگی های استکبار**  **1. منفعت طلبی**  اصولا مبنای تمام ظلم ها و ستم های انسان، چیزی جز منفعت طلبی نیست و این موضوع، در قدرت های استکباری در حد بالایی وجود دارد. آنان به تنها چیزی که اهمیت می دهند، منافع مادی و حیوانی آنان است. از این رو، در صورت به خطر افتادن این منافع، حاضرند که از مردم کشور خویش نیز بگذرند و دوستان و متحدان و نوکران خود را فدا کنند تا منافع آنها تأمین شود.  **2. جهان خواری و به دست آوردن سلطه جهانی**  دست یابی به امکانات موجود در سراسر جهان، یکی از ویژگی های کشورهای استکباری است. از این رو، کسب سلطه جهانی و تصاحب ذخایر ملت های دیگر و به چنگ آوردن شریان حیات اقتصادی جهان، از ویژگی هایی است که در تمامی مستکبران دیده می شود.  **3. عقب نگه داشتن مستضعفان از رشد واقعی**  یکی از روش های اساسی و مهم استکبار جهانی، برای حفظ سلطه و برتری خود بر جهان و ادامه بقا و حیات خویش، جلوگیری از پیشرفت ملت های مستضعف است. استکبار، در این جهت، از انجام هیچ گونه اقدامی - اعم از جذب نخبگان کشورهای جهان سوم و یا کشورهای در حال پیشرفت، کارشکنی در برنامه های آنان، اعمال تحریم ها و محدودیت های بین المللی، به بهانه های مختلف - دریغ نمی ورزد.  **4. اضطراب و ترس درونی**  استکبار همواره درصدد تجاوز به حقوق دیگران است و اصولا با تجاوز به حقوق دیگران رشد می کند. مستکبر، همواره در خوف و اضطراب به سر می برد و از انتقام کشورهای تحت سلطه، هراسان است. از سوی دیگر، تلاش روز افزون در به دست آوردن هر چه بیشتر منافع و منابع دیگران، خواب راحت را از چشمان استکبار ربوده است و از این جهت، همواره دلهره و نگرانی با مستکبران همراه است.4  استکبار جهانی، جهت دست یابی به اهداف شوم خود، از زمینه ها و راهکارهایی نظیر، ایجاد اختلاف بین مردم کشورهای مستضعف، ترویج فساد و فحشا، منزوی کردن نیروهای کارآمد و متعهد و به کارگیری عناصر داخلی وابسته و روشنفکران غرب گرا استفاده می کند.  **دلایل مبارزه با استکبار**  هر فرد مسلمان و هر دولت اسلامی، بر اساس منطق و آموزه های دینی، موظف به مقابله با ظلم و استکبار جهانی است.  1. از نظر عقلی نمی توان «برای حیات زیر سلطه غیر»، ارزشی قائل شد؛ زیرا «ارزش حیات، به آزادی و استقلال است».5 حضرت امام(ره) تاکید می کند که «این، مطابق هیچ منطقی نیست که سی میلیون جمعیت، همیشه تحت فشار [باشد [و همیشه این جمعیت کار بکنند و حاصل کارشان را دیگران ببرند»؛ زیرا «زندگانی ای که در آن استقلال نباشد [و یک ملتی [به زحمت کار بکنند، برای استفاده دشمن ها، این که زندگانی نیست».6  از نظر شرعی نیز در آیات و روایات متعددی، مستضعفین، یعنی کسانی که مورد ظلم و تهاجم استکبار قرار گرفته اند، موظف به دفاع و مقابله با مستکبرین شده اند. قرآن کسانی را که در راه حمایت از مستضعفین کوتاهی و سستی می کنند، مورد مواخذه قرار می دهد.7  بر این اساس، قانون اساسی «جمهوری اسلامی ایران، سعادت انسان در تمام جامعه بشری را آرمان خود می داند و استقلال، آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می شناسد و در عین خودداری کامل و نفی هرگونه دخالت در امور داخلی ملت های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین، در هر نقطه از جهان حمایت می کند.8  در هر صورت، اصل وقوع انقلاب اسلامی، برای رهایی از یوغ استکبار بود و حفظ آن و همچنین تأمین اهداف و منافع کشور، ادامه این مبارزه را می طلبد. عمل به آموزه های دین مبین اسلام، حکم عقل، منطق و قانون اساسی است و ما را بر آن می دارد تا در جهت حفظ عزت، استقلال و رعایت منافع کشور خود و همچنین دست یابی به پیشرفت و توسعه همه جانبه و دفاع از حقوق همه ستم دیدگان و مستضعفان جهان، مبارزه با استکبار جهانی را تا پیروزی نهایی ادامه دهیم. واضح است که منظور از مبارزه با استکبار، فقط مبارزه نظامی نیست؛ بلکه بیشترین تأکید بر مبارزه فرهنگی و تلاش برای بیداری و رشد سیاسی ملل مظلوم جهان است. حضرت امام(ره) می فرماید: «اگر ملتی بخواهد سر پای خود بایستد، لازم است که اول بیدار شود».9  در پایان برای ملموس تر شدن موضوع، نکاتی را در مورد علل مبارزه ایران با آمریکا، به عنوان سر کرده استکبار جهانی بیان می کنیم:  1. بررسی مبانی تشکیل دهنده سیاست خارجی آمریکا در قبال سایر کشورها؛ براساس دیدگاه ماتریالیستی و مادیگرانه کشورهای غربی، به ویژه آمریکا، تأمین منافع ملی و دست یابی به سود بیشتر، مهم ترین اصل حاکم بر سیاست خارجی آنان است که در جهت تحقق آن، اقدام به هر عملی، هر چند غیر اخلاقی، جایز و پسندیده است. بر این اساس، منافع ملی آنان جز از راه وابستگی سایر کشورها، خصوصاً کشورهای جهان سوم و جلوگیری از استقلال و خودکفایی آنان، حاصل نمی شود و با انجام این عمل، دو عنصر اساسی چرخه اقتصادی و بازار سرمایه داری آنان، یعنی دست یابی به مواد خام ارزان قیمت از یک سو و در دست داشتن بازار مصرف جهت کالاهای تولیدی خود از سوی دیگر، فراهم می آید.  از این رو، مشاهده می شود که کشورهایی جهان سوم که اکثرا دارای روابط سیاسی، اقتصادی و... با آمریکا هستند، با وجود سابقه تمدن خود و برخورداری از منابع غنی طبیعی و انسانی، همچنان در زمره کشورهای توسعه نیافته و وابسته به غرب محسوب می شوند و اگر معدود کشورهایی توانسته اند خود را از این معرکه نجات داده، به توسعه یافتگی نایل آیند، نتیجه سعی و تلاش و اتکای خود آنان بوده است و نه اتکای به غرب و آمریکا.  نتیجه آن که آمریکا برای تأمین منافع و حفظ و گسترش هژمونی و سلطه خویش بر سایر جهان و تحقق دهکده ای جهانی با کدخدایی خود از انجام هر اقدامی جهت عقب ماندگی کشورهای توسعه نیافته و عدم پیشرفت آنان دریغ نخواهد ورزید.  2. بررسی عملکرد و اقدامات آمریکا در قبال ملت ایران در گذشته و حال؛ بررسی اقدامات خصمانه دولت آمریکا در قبال ملت ایران از گذشته های دور تاکنون، به روشنی، جلوگیری و ممانعت امریکا از پیشرفت ملت ما را در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی، علمی و...، به اثبات می رساند. پاره ای از این خصومت ها عبارتند از:  الف) به راه انداختن کودتای 28 مرداد 1332 و ساقط کردن حکومت مردمی و قانونی دکتر مصدق، ارائه طرح انقلاب سفید و کاپیتولاسیون به رژیم وابسته پهلوی، کارشکنی و تلاش در جهت سرنگونی نظام اسلامی ایران، از راه هایی نظیر تقویت و سازماندهی گروهک های ضد انقلاب در جهت اختلال در امنیت و تمامیت ارضی کشور، راه اندازی کودتای نوژه، تحریک کشورهای همسایه به عملیات نظامی بر علیه ایران و تحمیل جنگ هشت ساله، ایجاد تحریم های سیاسی بین المللی و اخلال در روابط ایران با سایر کشورهای منطقه و جهان.  ب) کارشکنی های دولت آمریکا و مخالفت با ملی شدن صنعت نفت ایران و اخلال در امور اقتصادی ایران در دوره طاغوت؛ دولت آمریکا برای وابسته کردن اقتصاد ایران به محصولات خارجی، اقتصاد ایران را شدیداً وابسته به درآمدهای نفتی کرد و رژیم پهلوی را جهت انجام اقداماتی نظیر اصلاحات ارضی، تحت فشار گذاشت و خودکفایی اقتصادی ایران، به ویژه در زمینه مواد غذایی را از بین برد و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز با ایجاد جنگ تحمیلی و از بین بردن صنایع زیر بنایی، به ویژه در بعد نفت و پتروشیمی و کارشکنی در بازار نفت، ایجاد تحریم های اقتصادی علیه ایران در عرصه بین الملل و ارائه طرح هایی نظیر داماتو و...، در روند پیشرفت و رشد اقتصادی ایران اخلال به وجود آورد و فشارهای بسیار زیادی را بر مردم ایران تحمیل کرد.  ج) دولت آمریکا در بعد علمی نیز با جذب نخبگان فکری ایران و جلوگیری از دست یابی ایران به تکنولوژی های پیشرفته، نظیر آن چه که هم اکنون در مورد دانش هسته ای با آن روبه رو هستیم، در راه رشد و پیشرفت ملت ایران اخلال به وجود آورده است.  د) آمریکا در بعد فرهنگی نیز برای بسط و سیطره فرهنگ لیبرال دموکراسی خود و مبارزه با فرهنگ حیات بخش اسلام و سایر فرهنگ ها، از گذشته های دور تا کنون، با اقدامات متعددی، نظیر استفاده از عناصر فکری وابسته به خویش در داخل و استفاده از تکنولوژی ارتباطاتی، تهاجم گسترده ای را علیه فرهنگ اصیل اسلامی و ملی ملت ایران به کار گرفته است.  با توجه به این اقدامات، آیا باز هم می توان آمریکا را خیرخواه و مدافع پیشرفت ملت ایران دانست و دست از مبارزه با آن برداشت؟  1. راغب اصفهانی، معجم الفاظ قرآن، ص 438.  2. بقره، آیه 34.  3. منوچهر محمدی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نشر دادگستر، ص 33.  4. کاظم قاضی زاده، اندیشه های فقهی - سیاسی امام خمینی، ص 609.  5. صحیفه نور، ج 5، ص 114.  6. همان، ج 2، ص 138.  7. بقره، آیه 190.  8. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل 154.  9. صحیفه نور، ج 14، ص 1. |